

بررسی اقدامات خشونت‌بار در قضیه لود (۲۰۲۱) در سرزمین‌های اشغالی از دیدگاه حقوق بشر

هستی کوشا^۱

احمدرضا سلیمان‌زاده^۲

حسین رستم‌زاد^۳

چکیده

به مانند سال‌های گذشته، سال ۲۰۲۱ میلادی موج جدیدی از درگیری‌ها بین اسرائیل و فلسطینیان آغاز شد و در اقدامی بی‌سابقه، اعراب ساکن سرزمین‌های اشغالی برای نخستین بار با نیروهای اسرائیل درگیر شدند. اسرائیل اقدام خود را دفاع مشروع و به‌عنوان یک عذر از اصل منع توسل به زور خوانده است. فلسطینیان نیز سعی داشته‌اند درگیری‌های لود را جنگ داخلی بدانند و اعراب ۴۸ نیز اقدام خود را حمایت مشروع از برادران عرب‌شان و در راستای حقوق اسلامی معرفی کرده‌اند. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی و با هدف بررسی حقوقی اقدامات خشونت‌بار در ناآرامی‌های شهر لود انجام شده است. چنین نتیجه‌گیری شد که سرآغاز درگیری‌ها اخراج برخی اعراب از شرق قدس و در راستای سیاست پاک‌سازی عربی سرزمین فلسطین بوده است. ادعای جنگ داخلی بودن قضیه لود به دلیل غیرمسلحانه بودن آن رد می‌شود.

واژگان کلیدی: اصل عدم توسل به زور، حقوق بشر، دفاع مشروع لود، نزاع اعراب و اسرائیل.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).
dsoleimanzade@iaurmia.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکز، مرکز دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

شکل‌گیری کشور به معنای حقوقی امروزی، قومیت‌ها و ادیان فراوانی را شامل می‌شد و بعدها تحت قواعد اعلامیه حقوق بشر، تمامی کشورها ملزم شدند بدون در نظر گرفتن دین و نژاد، همگی شهروندان خود را به یک چشم بنگرند؛ با وجود این، معمولاً تعلق خاطر برخی اقلیت‌ها نسبت به کشوری دیگر بیشتر است. دولت مرکزی توقع وفاداری از شهروندان اقلیت خود داشته و شهروندان اقلیت نیز انتظار عدم تبعیض نژادی را از دولت دارند. در مورد اسرائیل و اطلاق آن به عنوان یک کشور بحث فراوان است. فارغ از دیدگاه‌های تعصب‌گرایانه بر مبنای حقوق بین‌الملل، به موجب قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل، فلسطین باید به دو قسمت یهودی و عرب تقسیم می‌شد که اسرائیل سهم فلسطینیان را نادیده انگاشت. بر این اساس، گروه‌های مبارز فلسطینی برای احقاق حقوق خود راه مبارزه مسلحانه با اسرائیل را در پیش گرفتند و اعراب شهروند اسرائیل که همان فلسطینیان باقی مانده در سرزمین‌های اشغالی هستند، نسبت به برادران عرب خود تعلق خاطر بیشتری دارند.

با توجه به حدود یک قرن سابقه منازعه میان فلسطینیان و اسرائیل بر سر اشغال اراضی، همواره درگیری‌هایی میان ارتش اسرائیل با گروه‌های مقاومت فلسطینی در جریان بوده است و هریک از طرفین حامیانی داشته‌اند، اما در جریان درگیری‌های سال ۲۰۲۱، در واقع‌ای غیر منتظره، فلسطینیان ساکن اراضی اشغالی موسوم به «اعراب ۴۸» یا «اعراب اسرائیلی»، دست به قیام زده و با نیروهای اسرائیل و مردم یهودی ساکن اسرائیل درگیر شدند. مرکز این وقایع شهر لود، واقع در فلسطین اشغالی گزارش شد و جمع کثیری از یهودیان و اعرابی که سالیان دراز در کنار یکدیگر زندگی کرده بودند و محل مطالعات علوم انسانی در مورد زندگی اقوام مختلف بودند، با هم درگیر شدند. این درگیری نگرانی مقامات صهیونیست را از گسترش چنین وقایعی به نقاط دیگر اسرائیل افزایش داد و خطری امنیتی برای موجودیت رژیم به حساب آمد. پلیس اسرائیل بدون توجه به حضور یهودیان افراطی در چنین درگیری‌هایی، تنها به فکر برخورد خشن با معترضان عرب بود و تصاویر ارسالی ضرب و شتم شدید اعراب شهر لود را توسط پلیس اسرائیل به تصویر می‌کشید.

در این پژوهش، ابعاد حقوقی درگیری‌های شهر لود در سال ۲۰۲۱ میلادی بررسی شده است. در بُعد حقوق بین‌الملل، این درگیری‌ها به واسطه شمول در سرزمین‌های اشغالی، نآرامی

داخلی محسوب می‌شود و شرایط جنگی در آن نمی‌گنجد. فلسطینیان قصد داشتند با تلقی این حادثه به‌عنوان جنگ داخلی، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را به این درگیری‌ها منتسب کنند، اما با توجه به داخلی بودن ناآرامی و غیرمسلحانه بودن آن، وضعیت ناآرامی و شورش به آن نزدیک‌تر است. ابعاد حقوقی این مهم در ادامه بحث شده است.

۱. پیش‌زمینه وقایع لود^۱ (۲۰۲۱)

در مورد منازعه اسرائیل و اعراب بحث فراوان بوده و خارج از پژوهش کنونی است، اما به بیان این نکته اکتفا می‌شود که تشکیل رژیم اسرائیل، پس از درگیری‌های طولانی میان یهودیان و اعراب در نیمه نخست قرن بیستم میلادی، به موجب قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل انجام شد. بر حسب طرح تقسیم ارائه‌شده توسط سازمان ملل، مقرر شد این منطقه به‌طور مساوی میان اعراب و یهودیان تقسیم شود و بیت‌المقدس (اورشلیم) نیز محدوده تحت نظارت سازمان ملل باشد تا مانع از برخورد خشونت‌بار شود، اما یهودی‌ها به این طرح قانع نبودند و مناطق دیگری را نیز به اشغال درآوردند و ضمیمه خاک‌شان کردند. اعراب که مخالف تشکیل حاکمیتی یهودی به هر نحو ممکن بودند، مخالفت‌شان را اعلام داشتند. به‌هر حال اسرائیل پا از قطعنامه سازمان ملل فراتر گذاشت و بر مناطق وسیعی از فلسطین حاکم شد.

اگر حمایت کشورهای عربی مانند مصر و اردن نبود، بی‌شک از فلسطین چیزی باقی نمانده بود. با تصرف کرانه باختری رود اردن توسط اردن و تصرف نوار غزه توسط مصر، ملت فلسطین از نابودی نجات یافت (Gelvin, 2014: 54). شرق بیت‌المقدس (اورشلیم) به‌عنوان جزئی از کرانه باختری در تصرف اردن باقی ماند تا سرانجام در جریان جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، این قسمت نیز به تصرف اسرائیل درآمد و با یکپارچه شدن آن با بخش غربی، پایتخت اسرائیل خوانده شد. جنگ‌های متعددی میان اسرائیل و کشورهای عربی در جریان بوده است که از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به جنگ استقلال (۱۹۴۸)، جنگ سوئز (۱۹۵۶)، جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷) و جنگ یوم کیپور (۱۹۷۳) اشاره کرد. متأسفانه کشورهای عربی در این جنگ‌ها دستاورد خاصی نداشتند و سرانجام تن به مصالحه و سازش با اسرائیل دادند (Finkelstein, 2003: 54).

۱. به عربی: اللد؛ به انگلیسی: Lod

در حال حاضر از میان کشورهای عربی که پیش‌تر دشمن اسرائیل بودند، دولت‌های امارات متحده عربی، بحرین، سودان، مراکش، مصر و اردن با اسرائیل روابط کامل دیپلماتیک دارند و از حمایت آرمان فلسطین دست کشیده‌اند؛ اما درگیری فلسطینیان و اسرائیل از مدت‌ها پیش از ۱۹۴۸ تاکنون در جریان بوده است. در حال حاضر فلسطین به مناطق کرانه باختری رود اردن (به جز بیت‌المقدس) و نوار غزه اطلاق می‌شود. گروه‌های جهادی همچون جهاد اسلامی و حماس که سازش با اسرائیل را خط قرمز خود می‌دانند، در غزه مستقرند و هر از چند گاهی، جهان شاهد درگیری‌های مقطعی میان این گروه‌ها با اسرائیل است. گروه‌های معتدلی مانند ساف (سازمان آزادی‌بخش فلسطین) و فتح که در کرانه باختری حکومت دارند، تنها دو بار در جریان انتفاضه‌های اول و دوم با اسرائیل درگیر شدند و در حال حاضر دارای روابط امنیتی با اسرائیل هستند. در دکترین این گروه‌ها، صلح با اسرائیل ممکن بوده و اغلب مذاکره‌هایی میان‌شان در جریان است.

۱-۱. فلسطینیان ساکن اراضی اشغالی

همان‌طور که گفته شد، در زمان تأسیس رژیم صهیونیستی، با حمایت مصر و اردن، مناطق نوار غزه و کرانه باختری از اشغال حفظ شدند و ملت فلسطین نیز از نابودی در امان ماند، اما بخشی از فلسطینیان در مناطق اشغالی سال ۱۹۴۸ باقی ماندند که بعدها با فشار مجامع بین‌المللی، تابعیت اسرائیل را دریافت کردند. به این شهروندان، اعراب اسرائیلی گفته می‌شود که بین ۲۰ تا ۲۵ درصد از جمعیت اسرائیل را دربرمی‌گیرند. کنست (پارلمان اسرائیل) دارای ۱۲۰ کرسی است که ۱۰ تا ۱۵ کرسی آن به اعراب تعلق دارد. با وجود این اکثریت اعراب اسرائیل، خود را با مردم فلسطین یک ملت دانسته و تعلق خاطرشان به فلسطین و آرمان آن بیش از اسرائیل است (Kreitem, 2020: 80).

ملت در لغت به معنای مردم یک کشور (فرهنگ لغت معین)، کیش و دین (فرهنگ لغت دهخدا) و شریعت (فرهنگ لغت عمید) آمده است. تابعیت اسرائیلی این اعراب به صورت قهری بوده است و از این رو نمی‌توان کل مردم ساکن در فلسطین اشغالی را یک ملت دانست. به هر حال پیش از ورود یهودیان به سرزمین فلسطین، کل اعراب یک ملت بودند و طی ماجرای تقسیم فلسطین و سرانجام اشغال آن، به دو دسته ساکن مناطق اشغالی و خارج از آن تقسیم

شدند. نظریه جمهور آن است که اعراب اسرائیل با مردم فلسطین یک ملت بوده و هستند، اما از دیدگاه حقوقی، اعراب اسرائیل تابعیت این رژیم را دارند و با توجه به حضور نمایندگانشان در کنست، جزئی از شهروندان این کشور به شمار می‌روند و بدین ترتیب، منازعه‌شان با رژیم اسرائیل جنبه داخلی دارد؛ از این رو از دیدگاه حقوقی، ماهیت درگیری‌های اعراب ۴۸ با اسرائیل، و فلسطینیان با اسرائیل متفاوت است (Ben-Natan, 2021: 25).

۱-۲. نقش فلسطینیان در درگیری‌های ۲۰۲۱

در دهم می ۲۰۲۱ و در ادامه منازعات اسرائیل و فلسطین، درگیری‌های خشونت‌باری میان معترضان فلسطینی و پلیس اسرائیل بر سر حکمی برنامه‌ریزی شده از جانب دادگاه عالی اسرائیل درباره بیرون‌راندن فلسطینیان از شیخ جراح در بیت‌المقدس شرقی در گرفت. این ناآرامی‌ها از ششم مه آغاز و چهار روز بعد به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شد که به مدت ۱۱ روز تا تاریخ ۲۱ می ادامه یافت و با آتش‌بس پایان یافت. این درگیری‌ها که با شب قدر و روز اورشلیم هم‌زمان شدند، به زخمی شدن بیش از ۳۰۰ نفر که اغلب غیرنظامیان فلسطینی هستند، انجامید.

خشونت‌ها با محکومیت بین‌المللی همراه بود و برای کاهش تنش‌ها، تاریخ اعلام حکم دادگاه عالی به مدت ۳۰ روز به تعویق افتاد. در نهم می و پس از آنکه فلسطینیان مستقر در حرم شریف، به جمع‌آوری سنگ و ابزار آتش‌بازی پرداختند، پلیس اسرائیل پیش از برگزاری یک راهپیمایی از سوی یهودیان ملی‌گرا که بعدتر لغو شد، به مسجدالاقصی یورش برد. حماس، گردان‌های قسام و جهاد اسلامی، شهرهای حساس اسرائیل از جمله تل‌آویو، حیفا و اشدود را هدف موشک قرار دادند که موجب آسیب‌های مالی و جانی به شهروندان و حکومت شد (Rexer, 2021: 1555).

از آنجاکه آغاز ماجرا با اخراج اعراب از مناطق عرب‌نشین داخل اسرائیل آغاز شد، اعراب اسرائیلی به حمایت از هم‌زبانان‌شان برخاستند که در نوع خود بی‌سابقه بود. مرکز درگیری‌ها شهر لود در نزدیکی تل‌آویو و محل فرودگاه بین‌المللی بن‌گوریون است و سالیان درازی است که یهودیان و اعراب در این منطقه کنار هم زندگی می‌کنند. محققان علوم انسانی گاه به این شهر

۱. در نظریه عدم شناسایی اسرائیل، از آن با نام کشور یاد نمی‌شود، بلکه یک رژیم غاصب است.

سفر می‌کردند تا مطالعات مرتبط با زندگی اقوام را تکمیل کنند، اما در سال ۲۰۲۱ اعراب ساکن این شهر با نیروهای اسرائیل و همچنین افراط‌گرایان یهودی درگیر شدند و سرانجام پس از پایان آتش‌بس، درگیری‌ها نیز پایان یافت. ویژگی خاص این منازعه برخلاف منازعات پیشین یک قرن اخیر، ورود اعراب اسرائیل به صحنه نبرد میان اسرائیل و فلسطین است (Yaniv et al, 2021: 25).

۲. تفسیر گروه‌های مختلف از درگیری‌های لود

۲-۱. طرح ادعای دفاع مشروع توسط صهیونیست‌ها

اسرائیل و حامیان آن شامل ایالات متحده آمریکا، استرالیا، کانادا و چند کشور دیگر، حماس و جهاد اسلامی را گروه‌های تروریستی خطاب می‌کنند و براساس تفسیر موسّع از ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، دفاع مشروع در مقابل این گروه را حق خود می‌دانند. به عقیده سران این رژیم و حامیان آن‌ها، در این وضعیت، اصل منع توسل به زور دارای عذر بوده و بنا به اصل دفاع مشروع که یکی از دستاویزهای منع توسل به زور است، به سرکوب فلسطینیان اقدام کردند. همچنین با استناد به قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل که مبارزه با تروریسم را لازم دانسته است، استثنای دیگری را بر اصل منع توسل به زور در راستای مبارزه با تروریسم وارد می‌دانند و مسئله دفاع پیشگیرانه در قبال گروه‌های تروریستی را مطرح می‌کنند. قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد که یک روز پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ تصویب شد، سندی بین‌المللی درباره تهدید صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از اقدامات تروریستی است. این قطعنامه طی نشست ۴۳۷۰ ام با ۱۵ رأی موافق، و بدون رأی مخالف و ممتنع به تصویب رسید (نوروزی، ۱۳۷۲: ۵۷).

قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در همین تاریخ یعنی ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ (ششم مهر ۱۳۸۰) تصویب شد، که آن نیز سندی بین‌المللی درباره تهدید صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از اقدامات تروریستی است و طی نشست ۴۳۸۵ ام با ۱۵ رأی موافق، و بدون مخالف و ممتنع به تصویب رسید.

با تفسیر موسّع اسرائیل از وضعیت تروریستی بودن حماس و جهاد اسلامی، مبارزه با این گروه‌ها به موجب دو قطعنامه مذکور دارای توجیه بود و خود یکی از دستاویزهای اصل منع توسط به زور به شمار می‌رفت؛ از این رو اسرائیل خود را مجاز دانست که با گروه‌های جهادگرای

مقیم غزه مبارزه کند و در پی حمله‌های راکتی آنان، اسرائیل نیز با توجه به اصل دفاع مشروع، حمله‌های خود را توجیه‌پذیر می‌داند. اسرائیل این نبردها را بخشی از مبارزه با تروریسم می‌خواند و نامتناسب بودن حملات با راکت‌پراکنی‌های فلسطینیان را به واسطهٔ تفسیر موسع خود و توسل به دو قطعنامهٔ مذکور، صحیح می‌داند (Orbach, 2021: 14).

با توجه به اینکه اکثریت اعراب ۴۸ خود را به همراه فلسطینیان یک ملت می‌دانند، در جریان درگیری‌های سال ۲۰۲۱، برخی تندروهای صهیونیست، مقابله با این اعراب را در قالب دفاع مشروع صحیح دانستند. بنا به تفسیر آنان، این اعراب با مردم فلسطین یک ملت دارند و در چنین شرایطی که اعراب به حمایت از فلسطینیان برخاسته‌اند، باید به شدت با آن‌ها مقابله کرد. به عقیدهٔ تندروهای صهیونیست، اعراب ۴۸ به دلیل تعلق خاطر بیشتر به فلسطینیان و وجود یک ملت واحد براساس تفسیر مفهوم ملت مندرج در اعلامیه حقوق بشر، جزئی از دشمن محسوب می‌شوند و هرگونه اقدامات سرکوبگرانه علیه اعراب شهروند اسرائیل، همانند سرکوب فلسطینیان است. به عقیدهٔ افراطیان و براساس برداشتی از قانون اساسی اسرائیل، طرفداران فلسطینیان که همان اعراب ۴۸ هستند، به سبب حمایت از دشمن، جزئی از آن محسوب شده و اصل منع توسل به زور در موردشان دارای عذر است. نمایندگان عرب کنست با این عقیده به شدت مقابله کردند و بنا به تفسیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی بیان را حق هر شهروند دانسته و اقدام اعراب ۴۸ در سرزمین‌های اشغالی را تنها گردهمایی غیرمسلحانه در حمایت از فلسطینیان عنوان کرده‌اند که با اصل آزادی بیان همخوانی دارد (Babis, 2021: 400).

این ادعای اسرائیل با اصل حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل ناسازگار است. اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود یا به اختصار حق تعیین سرنوشت، از اصول اساسی حقوق بین‌الملل است که بنا بر نظر سازمان ملل متحد به عنوان مرجع تفسیر هنجارهای منشور، الزام‌آور است. این اصل بیان می‌دارد که در احترام به اصل حقوق برابر و برابری منصفانهٔ فرصت‌ها، ملت‌ها حق دارند حاکمیت و وضعیت سیاسی - بین‌المللی خود را بدون هرگونه اجبار یا مداخلهٔ خارجی برگزینند. سابقهٔ استناد به این اصل منشور آتلانتیک است که فرانکلین روزولت رییس‌جمهور آمریکا و وینستون چرچیل نخست‌وزیر بریتانیا در ۱۴ اوت ۱۹۴۱ امضا کردند و به هشت نکتهٔ اصلی منشور متعهد شدند.

اصل حق تعیین سرنوشت بیان نمی‌کند که تصمیم‌گیری یا نتیجهٔ آن چگونه باید باشد (استقلال،

فدراسیون، تحت الحمایه، خودمختاری یا حتی همسان‌سازی کامل) و نیز بیان نمی‌کند که مرزهای بین ملت‌ها چه باید باشد یا اینکه چه چیز یک ملت را تشکیل می‌دهد. در واقع تعاریف و معیارهای حقوقی متعارضی برای تعیین گروه‌هایی که می‌توانند به‌طور مشروع ادعای حق تعیین سرنوشت کنند، وجود دارد؛ بنابراین از نظر حقوق بین‌الملل، ادعای اسرائیل و هم‌پیمانانش مبنی بر تروریست بودن حماس صحیح نیست. فلسطینیان حق دارند در چهارچوب حق تعیین سرنوشت، به مبارزه پردازند ولی در این منازعات باید حقوق بشردوستانه رعایت و از هدف قراردادن غیرنظامیان خودداری شود. اسرائیل ملزم است حقوق فلسطینیان را به رسمیت بشناسد و در مقابل خواسته قانونی آن‌ها خویشتن‌داری نشان دهد (Mordechay et al, 2021: 45).

۲-۲. ادعای جنگ داخلی توسط گروه‌های فلسطینی

گروه‌های فلسطینی نبرد خود با اسرائیل را بخشی از دفاع مشروع می‌دانند و درگیری اسرائیل با اعراب ۴۸ را جنگ داخلی خواندند و بر حمایت از آن تأکید کردند. در اینجا ذیل دو بخش، تفسیر این مهم براساس حقوق بین‌الملل و حقوق بشر اسلامی انجام می‌شود.

۲-۲-۱. تفسیر براساس حقوق بشر غربی

گروه‌های فلسطینی با توجه به اشغال سرزمین‌شان توسط صهیونیست‌ها مبارزه را حق خود می‌دانند. در تفسیر حقوقی این گروه‌ها، حتی اگر به قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل نگاه شود، از نظر حقوقی، اسرائیل تنها حق تشکیل کشور را در نیمی از فلسطین داشت و تسلط بر قدس نیز غیرقانونی بوده است؛ البته به همین طرح نیز انتقادهایی وارد است و اگر همین مسئله مدنظر قرار گیرد، باز هم اسرائیل از مسئولیت‌های حقوقی خود سر باز زده است. از آنجاکه سازمان ملل متحد طی هشت دهه هیچ اقدام عملی جهت احقاق حقوق ملت فلسطین انجام نداده است و کشورهای عربی و اسلامی نیز رفته‌رفته آرمان فلسطین را به فراموشی سپرده‌اند، حماس و جهاد اسلامی براساس اصل دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد، دفاع در برابر تجاوزگری را حق خود می‌دانند. این ادعای فلسطینیان از دیدگاه بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است و در جریان چند شکایت حقوقی علیه اسرائیل در دادگاه لاهه، رأی به نفع فلسطینیان صادر شده است. در واقع ادعای فلسطینیان بر پایه حقوق بشر غربی

است که دفاع مشروع را حق ملتی می‌داند که به اشغال درآمده است (Diab et al, 2021: 42). در تفسیر درگیری‌های اسرائیل و گروه‌های فلسطینی دو اختلاف نظر وجود دارد. اسرائیل با تفسیر موسع خود از وضعیت تروریسم، نبرد با حماس را بخشی از دفاع مشروع می‌داند. حماس با توجه به اشغال‌گری صهیونیست‌ها و فقدان اقدام عملی جدی از سوی جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد، خود را محق به دفاع مشروع می‌داند. اگر به هر دو دیدگاه نگاه شود، اشغال فلسطین حتی بر پایه قطعنامه‌های سازمان ملل نیز عملی غیرقانونی بوده و اگر همین مبنا لحاظ شود (هرچند به این مبنا نیز انتقادهایی وارد است)، اشغال‌گری اسرائیل ثابت شده است و حماس و جهاد اسلامی در غیاب اقدام عملی سازمان ملل متحد، سلاح به دست گرفته و در برابر اسرائیل مقاومت می‌کنند. چهارچوب اقدامات حماس نیز مبارزه با اشغال‌گری اسرائیل است و لذا می‌توان اقدامات حماس را در چهارچوب ماده ۵۱ منشور ملل متحد دانست (Levy, 2021: 1550).

در مورد ادعای حماس در مورد درگیری‌های شهر لود، در صورت احتساب مخاصمه مسلحانه، در این زمینه ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، پروتکل الحاقی دوم ژنو مصوب ۱۹۷۷ و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی صادق هستند. تفسیر ملت واحذبودن با اعراب ۴۸، از نظر حقوقی پذیرفته‌شده نیست، چراکه اسرائیل حق شهروندی اعراب ۴۸ را به رسمیت شناخته است و ۱۵-۱۰ کرسی در پارلمان خود را به نمایندگان آن‌ها اختصاص داده است. به‌رحال ناآرامی‌های شهر لود، توسط حماس و جهاد اسلامی جنگ داخلی خوانده شد؛ چراکه از داخل اسرائیل - به فرض کشور محسوب‌شدن آن - قیام علیه حکومت آغاز شد و براساس حقوق شهروندی، اسرائیل موظف به استماع حق آن‌ها بود. شهردار لود نیز این درگیری‌ها را جنگ داخلی خواند. قضایای شهر لود با توجه به حق شهروندی اعراب ۴۸، نمی‌تواند با منابع حقوقی مذکور تفسیر شود و مجامع بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به این موضوع را ندارند؛ چراکه مسئله‌ای داخلی به شمار می‌رود و از دیدگاه‌های دیگری قابلیت بحث دارد.

۱-۲-۲. تفسیر براساس احکام اسلامی

در قرآن کریم، نظام حقوقی و سیاسی جزئی از پیکره دین است. دلیل این ارتباط تنگاتنگ آن است که زمینه‌های اجتماعی و عوامل گوناگونی که در جامعه بشری حاکمیت یک نظام حقوقی

را اقتضا می‌کنند، در قرآن کریم به‌عنوان فلسفه بعثت انبیا و فرستادن دین و کتاب‌های آسمانی از سوی خداوند تلقی شده است. گویا رسالت اصلی دین، تحقق بخشیدن به حاکمیت نظام حقوقی آن در جامعه است؛ هرچند حاکمیت نظام حقوقی نیز مقدمه‌ای برای تعالی بشر و سعادت اوست؛ چنانچه قرآن کریم هدف ارسال رسولان را چنین بیان می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ: مردم ملت‌ی یگانه بودند و خدا پیامبران را مژده‌آور و هشداردهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خدا] را که به سوی حق دعوت می‌کرد فرو فرستاد تا میان مردم درباره آنچه در موردش اختلاف داشتند، داوری کند» (بقره: ۲۱۳).

در این آیه، مسئله رفع اختلاف میان مردم، هدف بعثت انبیا معرفی شده است. در تفسیر این آیه باید گفت وجود حکومت برای برقراری عدالت در جامعه ضرورت دارد. اگر ترس از حکومت نباشد، مردم به هر کاری دست می‌زنند و زندگی در آن جامعه امکان‌پذیر نیست. پیش‌تر در قوم بنی‌اسرائیل نیز تشکیل حکومت توسط طالوت انجام شد و شیوه اداره کشور را از داوری به حکومت‌داری سلطنتی مبدل کرد که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. داوران با رفع اختلاف‌های میان مردم، جامعه را اداره می‌کردند، اما تحقق عدالت برای زندگی در آنجا کافی نبود و نیاز به حکومتی قدرتمند بوده است تا امنیت جامعه را تأمین کند؛ از این‌رو حکومت با تعریف مسئولیت‌حمایتی، به جهان معرفی شد.

عدالت در نگاه قرآنی، ارزش ذاتی و نفس‌الامری داشته و امنیت همه امور بدان وابسته است؛ یعنی عدالت مفهومی انتزاعی نیست، بلکه مفهومی عقلی و نفس‌الامری است که ریشه در هستی و فطرت انسانی دارد و همه ابعاد وجودی عالم را دربرمی‌گیرد؛ از این‌رو، پیوسته و مداوم مورد تأکید قرار گرفته است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ: بی‌شک خداوند به اجرای عدالت و نیکی امر می‌کند» (نحل: ۹۰). در تفسیر این آیه، لازمه برقراری عدالت در جهان، حمایت از مردم است. در واقع حکومت باید به اندازه‌ای قدرت داشته باشد که از شهروندان حمایت کند. همچنین در جای دیگری آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ: همانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات)

را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، تا معلوم شود چه کسی خدا و پیامبرش را با ایمان قلبی یاری خواهد کرد؟ (هرچند) خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی‌نیاز) است» (حدید: ۲۵).

در تفسیر این آیه شریفه آمده است حکومت قدرتمند باید برای دفع حمله خارجی و زیان داخلی قوای نظامی داشته باشد و مردم ملزم به همکاری با آن هستند. هدف اصلی حکومت مسلح، حمایت از مردم است. در اینجا مسئولیت حمایت برای حکومت تبیین شده است. مردم باید در سایه حکومت در امنیت باشند و فعالیت‌های روزمره‌شان را دنبال کنند. بی‌شک در جامعه‌ای ناامن، انجام فعالیت‌های اقتصادی ممکن نیست. بحث در مورد حکومت اسلامی خارج از پژوهش کنونی است، اما تا اینجا چنین برداشت شده است که به موجب آیات قرآنی، نیاز است که حکومتی قدرتمند از مردم حمایت کند و این مسئولیت بر عهده آن است (یاقوتی، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

بر پایه این تفسیر، حق ملت فلسطین که در سال ۱۹۴۸ میلادی کشورشان به اشغال صهیونیست‌ها درآمده است، مبارزه با اشغال‌گران است و هر مسلمانی وظیفه حمایت از برادران دینی‌اش را دارد. از دیدگاه حقوق بشر اسلامی، حق ملت مسلمان و عرب فلسطین ضایع شده است و مسلمانان موظف به حمایت از آنان در احقاق حقوق‌شان هستند. در حال حاضر از میان ملت‌های مسلمان، تنها جمهوری اسلامی ایران به این وظیفه شرعی خود عمل کرده و به حمایت از حقوق ملت فلسطین پرداخته است. بررسی قضیه فلسطین از گذشته تاکنون نشان می‌دهد با اشغال فلسطین حقوق مردم مسلمان عرب نادیده انگاشته شده است و آنان حق داشته‌اند که از خود دفاع کنند.

در سال ۲۰۲۱ بر پایه مسئولیت حمایت از ملت فلسطین، اعراب ۴۸ که خود را با فلسطینیان یک ملت می‌دانند، به صحنه آمده‌اند و با امکانات موجود، به صدای اعتراض اعراب مبدل شدند. اعتراض آن‌ها نسبت به نادیده گرفتن حقوق فلسطینیان بوده است که نه تنها شنیده نشد بلکه به صورت تبعیض آمیز نسبت به تندروهای صهیونیست پاسخ داده شد. درگیری‌ها کاملاً غیرمسلحانه بود، اما بر پایه حقوق بشر اسلامی حمایت از ستم و ستم‌دیده و کمک به برقراری کشور فلسطین محسوب می‌شود. اگر به دیدگاه‌های حقوق بشر اسلامی و حقوق بین‌الملل در این باره نگاهی انداخته شود، میان‌شان سازگاری وجود دارد. براساس اصل آزادی بیان مندرج

در اعلامیه حقوق بشر، اعتراض شهروندان به رسمیت شناخته شده است که با مسئولیت حمایت از برادران دینی تطابق دارد. از سوی دیگر اشغال فلسطین با اصول حقوق بین الملل ناسازگار است که با حق مبارزه که در حقوق اسلامی تشریح شد، در تطابق قرار دارد، اما از آنجاکه ابرقدرت‌ها بر حقوق بین الملل تسلط بیشتری دارند، این حقوق فلسطینیان نادیده انگاشته می‌شود.

۳-۲. ادعای صلح آمیز بودن اعتراض‌ها توسط اعراب ۴۸

نمایندگان عرب پارلمان اسرائیل، برخی شهرداران اسرائیل و گروه‌هایی از اعراب ۴۸، وقایع شهر لود را جنگ داخلی دانستند. به نظر می‌رسد این ادعا بدون در نظر گرفتن مسائل حقوقی یا بی‌اطلاعی از آن بوده است. در صورت لحاظ جنگ داخلی، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به این موضوع منتسب بوده و مسئولیت‌های بین المللی علیه اسرائیل به همراه داشت. به استناد تعریف جنگ داخلی در کنوانسیون‌های مذکور که مسلحانه بودن را یکی از شروط تحقق آن می‌داند، انتساب جنگ داخلی به وقایع لود مرتفع شده و ناآرامی و اغتشاش داخلی خوانده شد. نمایندگان عرب کنست، با توجه به اینکه در کشوری غیر اسلامی سکونت داشته و تابعیت آن را دارند، به منابع حقوق بین الملل متوسل شدند و اعتراض غیر مسلحانه شهروندان را حق هر فرد می‌دانستند که وظیفه پلیس در برخورد با آنان برخورد متناسب و سپس غیر تبعیض آمیز بوده است.

از سوی دیگر گروه‌های عرب به ویژه حزب بلد، با استناد به قوانین اسلامی و به خصوص روایت‌های حکومت‌داری امام علی (ع)، استناد به آیات قرآن و فتاوی مفتی‌های اعظم، حق اعتراض شهروندان را (اعتراض به هر چه باشد) حق هر عرب اسرائیلی می‌دانند. پیشنهاد به رسمیت شناختن «یوم نکبة» در کنست نیز که پیش‌تر مطرح شده بود، به پیشنهاد نمایندگان حزب بلد بود و براساس حق آزادی بیانی که اسلام تعیین کرده است، چنین پیشنهادی را حق خود می‌دانستند. این حق بیان که از منابع اسلامی برگرفته می‌شود کاملاً با اعلامیه حقوق بشر تطابق دارد. برخورد تبعیض آمیز پلیس اسرائیل بین تندروهای صهیونیست و اعراب ۴۸، هم مورد انتقاد علمای اسلام قرار گرفت و هم براساس اصل ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مستوجب نکوهش است. بر این اساس، اگر از دیدگاه حقوق بشر اسلامی و حقوق بین الملل به قضیه نگریسته شود، اعراب ۴۸ حق اعتراض به اقدامات اسرائیل علیه فلسطینیان را دارند (Bitan et al, 2021: 12).

۳. بررسی حقوقی درگیری‌های شهر لود (۲۰۲۱)

همان‌طور که بیان شد، در اعتراض به نادیده‌گرفتن حقوق اعراب (اعراب کل سرزمین فلسطین شامل اعراب ۴۸ و فلسطینیان) نخستین بار اعراب ۴۸ از شهر لود اقدام به قیام کنند و به تدریج دیگر بخش‌های عرب‌نشین سرزمین‌های اشغالی شامل حيفا، رمله و غیره به این قیام پیوستند. محوریت این ناآرامی‌ها درگیری با پلیس و تندروهای افراطی یهودی بود. تندروهای مذهبی یهودی، از مخالفان سرسخت اعراب هستند و هر از چندگاهی مستقل از نیروهای نظامی اسرائیل، دست به حمله به اعراب می‌زنند. در وقایع پیشین نیز سه نوجوان فلسطینی توسط تندروهای یهودی زنده‌زنده در آتش سوختند. یکی از اهداف اعراب ۴۸ به‌خصوص اعراب مقیم شهر لود، درگیری با همین تندروهای یهودی بود که حتی حق شهروندی اعراب را نیز به رسمیت نمی‌شناسند. با حمایت‌های رژیم صهیونیستی از این تندروها، پلیس به ماجرا وارد شد که به درگیری اعراب با پلیس انجامید، اما این درگیری‌ها به‌هیچ‌وجه مسلحانه بوده و نوعی منازعه غیرمسلحانه و برهم‌خوردن نظم شهر و ناآرامی و شورش‌های پراکنده خشونت‌آمیز محسوب می‌شود.

۱-۳. اعتراض‌ها به متاب‌ه شورش‌های پراکنده خشونت‌آمیز

در منابع حقوقی تعریف دقیقی در مورد جنگ داخلی ارائه نشده است، اما طبق بند ۲ ماده یک پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، ویژگی مهم مخاصمه مسلحانه داخلی، مسلحانه بودن است. اگر این جنگ در داخل کشوری رخ دهد، از آن با نام جنگ داخلی نام می‌برند. از جنگ‌های داخلی معروف می‌توان به جنگ داخلی لبنان اشاره کرد که گروه‌های متعدد مسلح، درگیر جنگ با یکدیگر بودند و هر یک سعی در نابودی طرف دیگر داشتند (آل حبیب، ۱۳۷۹: ۴۸).

گروه‌های فلسطینی می‌کوشیدند وقایع شهر لود و دیگر شهرهای عرب‌نشین اسرائیل را جنگ داخلی تلقی کنند و حتی شهردار برخی از شهرهای اسرائیل نیز از این عنوان استفاده کردند، اما براساس تعاریفی که از جنگ داخلی وجود دارد، مسلحانه بودن، سازمان‌یافته بودن و تحت فرماندهی مسئول، و داشتن کنترل مؤثر، ویژگی‌های اصلی مخاصمه مسلحانه داخلی است. این وقایع را می‌توان ناآرامی خواند و نبود سلاح و نیروی سازمان‌یافته در این وقایع نشان از آن دارد که عنوان ناآرامی مهم‌ترین اطلاق به این وقایع است.

اگر از دیدگاه صهیونیست‌ها به قضیه نگریسته شود، این اعراب جزئی از شهروندان اسرائیل هستند و براساس اصل آزادی اندیشه و آزادی بیان و عقیده مندرج در ماده ۱۸ و ۱۹ اعلامیه حقوق بشر، حق اعلام نظرات خود را (خواه مخالف یا موافق با مشروعیت حاکم) دارند و دولت ملزم به استماع این نظریات است و اگر نادیده انگاشته شود، شهروندان حق بلندکردن اعتراض‌های خود را به راه‌های دیگر دارند. همچنین براساس ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر این اعراب به‌عنوان عضوی از جامعه حق برخورداری از امنیت اجتماعی را از راه کوشش در سطح ملی و همیاری بین‌المللی با سازمان‌دهی منابع هر مملکت دارند و می‌توانند حقوق سلب‌ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را برای حفظ حیثیت و رشد آزادانه شخصیت به دست آورند. براساس ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر شخصی سزاوار نظامی اجتماعی و بین‌المللی است که در آن حقوق و آزادی‌های مطرح در این اعلامیه به تمامی تأمین و اجرا شود.

نمایندگان عرب کنست به‌عنوان نمایندگان از شهروندان اسرائیل نسبت به خشونت بیش از حد در مقابل حماس و جهاد اسلامی اعتراض کردند و این اعتراض‌ها بر پایه اصل آزادی بیان شهروندان صحیح است. در غیاب توجه به این اعتراض‌های قانونی، شهروندان نسبت به بلندشدن صدای اعتراض‌هایشان اقدام کردند که ناآرامی‌هایی را پدید آورد. در واقع نظم شهر به هم ریخت، اما مبارزه مسلحانه رخ نداد. رژیم صهیونیستی بر پایه حقوقی که خود آن را تأسیس کرده، ملزم به شنیدن صدای اعراب به‌عنوان بخشی از شهروندان خود است. هر چند انتظار یهودیان آن است که اعراب اسرائیل به سبب حضور در خاک این رژیم، به طرفداری از آن برخیزند و در مقابل فلسطینیان موضع بگیرند، اما بر مبنای اصل آزادی بیان، هر شهروند حق دارد نسبت به عملکرد دولت خود انتقاد داشته باشد. در تمامی جهان، دولت‌ها موظف‌اند متناسب با امکانات معترضان با آن‌ها مقابله کنند و استفاده بیش از حد از خشونت نكوهیده است؛ از این رو برخورد خارج از عرف پلیس اسرائیل در مقابل اعراب که آن‌ها را شهروندان خود می‌خوانند، مورد سرزنش قرار گرفته است؛ ضمن آنکه در برابر یهودیان افراطی که آشکارا با اعراب دشمنی می‌کنند نیز اقدامات تأمینی ضرورت دارد (Ludwig et al, 2021: 5).

۲-۳. تفسیر براساس حق آزادی اجتماعات

آزادی اجتماع که گاهی به جای آزادی انجمن به کار می‌رود، حقی فردی برای جمع شدن و ابراز، ترویج و تعقیب و دفاع کردن از علایق مشترک به طور دسته‌جمعی است. آزادی اجتماع یکی از حقوق بشر، حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی شمرده می‌شود (محمدرضائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰).

ممکن است مفهوم آزادی اجتماعات و آزادی انجمن‌ها برای تمایز میان آزادی برای تجمع در مکان‌های عمومی و آزادی برای پیوستن به انجمن مورد استفاده قرار گیرد. آزادی اجتماعات اغلب در زمینه حق اعتراض مورد استفاده قرار می‌گیرد، درحالی‌که آزادی همکاری در زمینه حقوق کار و در قانون اساسی ایالات متحده آزادی برای تجمع و آزادی برای پیوستن به یک اتحادیه تلقی می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۸۵).

به موجب ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر انسانی محق به آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن‌های مسالمت‌آمیز است. هیچ‌کس نباید مجبور به شرکت در هیچ انجمنی شود (میریان و اصغری، ۱۳۹۱: ۴۸). بر این اساس، گردهمایی اعراب ۴۸ در حمایت از فلسطینیان، نمی‌تواند تحت عنوان عدم وفاداری به کشور پاسخ داده شود، ولی تحت عنوان همین ماده، گردهمایی و بیان نظرات حق طبیعی آنان است و به‌هیچ‌وجه نباید با آنان برخورد کرد.

ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد که باید حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق نمی‌تواند تابع هیچ‌گونه محدودیتی باشد؛ جز آنچه طبق قانون مقرر شده است و در یک جامعه دموکراتیک، برای مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد (Schor, 2020: 54). تحت این ماده قانونی، برخورد خشن پلیس اسرائیل با معترضان عربی که تنها گردهمایی کرده‌اند، کاملاً محکوم است.

ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر درباره آزادی تشکیل مجمع و انجمن بیان می‌دارد که هرکس از حق آزادی تشکیل مجمع صلح‌آمیز و آزادی تشکیل انجمن با سایرین برخوردار است که حق تشکیل و مشارکت در اتحادیه‌های تجاری را به منظور حفظ منافع شخص شامل می‌شود. نباید هیچ محدودیتی در تحقق این حقوق اعمال شود غیر از: محدودیت‌های قانونی مقرر و محدودیت‌هایی که در یک جامعه مردم‌سالار در راستای حفاظت از منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی یا جهت ممانعت

از ایجاد هرج و مرج و ارتکاب جنایت، یا به منظور حفظ سلامت یا اخلاقیات مردم یا حمایت از حقوق و آزادی‌های سایرین لازم و ضروری تشخیص داده می‌شوند (Kaddar & Montereescu, 2021: 15). این ماده از تحمیل محدودیت قانونی بر سر اعمال این محدودیت‌ها توسط اعضای نیروهای مسلح، پلیس و مقامات اجرایی کشور جلوگیری به عمل نمی‌آورد.

ماده ۱۵ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر نیز به وظیفه نیروهای امنیتی برای تأمین امنیت معترضان اشاره دارد. بر این اساس، پلیس اسرائیل باید حق اعتراض طبیعی اعراب ۴۸ را به‌عنوان شهروندان به رسمیت بشناسد و از آنان در مقابل برخوردهای تندروها حفاظت کند. درگیری بین اعراب ۴۸ با تندروهای صهیونیست به‌طور تبعیض‌آمیزی پاسخ داده شد؛ این در حالی بود که پلیس اسرائیل وظیفه جدایی گروه‌های معترض را داشت و محافظت از آنان، در حیطه وظایف پلیس بود نه اینکه تنها با یک گروه معترض برخورد کند. بر این اساس، پلیس اسرائیل هم متهم به برخورد تبعیض‌آمیز با اعراب ۴۸ است و هم حق اعتراض آنان را به رسمیت نشناخته است و پاسخ نامتناسبی داده است.

۳-۳. تفسیر براساس تناسب اقدام به عمل

تأمین امنیت برای شهروندان یکی از وظایف مهم دولت‌هاست که معمولاً در قوانین اساسی کشورها لحاظ شده است. بر پایه وجود این اصل در منابع حقوقی داخلی کشورها، عرف حقوقی بیان می‌دارد هر حکومت یا دولت وظیفه تأمین امنیت شهروندان را بر عهده دارد (خالقی، ۱۳۹۲: ۵۵). در صورت بروز ناآرامی‌های داخلی، اولویت نخست یک حکومت حفظ نظم داخلی کشور است؛ از این‌رو متناسب با ناآرامی باید با آن مقابله کرد. برای مثال، کشتار تظاهرکنندگانی که تنها به بیان خواسته خود راهپیمایی کرده‌اند، مجاز نیست؛ بلکه باید با اقدامات متناسب تجمع را پراکنده کرد. در همه کشورها پلیس ضد شورش وجود دارد که برای پراکنده کردن مسالمت‌آمیز ناآرامی‌ها آموزش دیده است. اگر در حین اعتراض‌ها، اقدام مسلحانه صورت گیرد، پلیس حق دارد به دفاع از خود و دیگر شهروندان بپردازد و با پاسخ‌های متقابل، حتی نسبت به قتل معترضان اقدام کند که البته اثبات مسلح بودن تظاهرکنندگان عمل بس دشواری است (دلخوش، ۱۳۹۰: ۶۰).

در مورد وقایع شهر لود، تندروهای یهودی در درگیری با اعراب حضور داشتند. در مرحله

نخست، پلیس اسرائیل وظیفه داشت تندروهای یهودی را که موجب دامن زدن به دامنه ناآرامی‌ها بودند، بازداشت کند و آنان را از این اقدام باز دارد که انجام ندادن این کار و درعین حال برخورد با اعراب ۴۸، نوعی تبعیض محسوب می‌شود. اگر ناآرامی‌ها به واسطه اقدام اعراب اسرائیل بوده است، تندروهای یهودی نیز در آن سهم داشتند و اگر قرار به مقابله باشد، باید با تندروهای یهودی نیز برخورد مناسبی صورت گیرد.

بحث بعدی آن است که ناآرامی‌های لود به هیچ وجه مسلحانه نبود؛ از این رو پلیس اسرائیل حق استفاده از سلاح را در مقابل تظاهرکنندگان نداشت. پلیس ضد شورش باید با اقدامات تأمینی نظم شهر را باز می‌گرداند و برخوردهای خارج از امکانات معترضان، برخلاف عرف حقوقی بوده است و مستوجب محکومیت خواهد بود. حضور نمایندگان عرب در کنست، فرصت خوبی برای پیگیری حقوقی این وقایع است و در تفاسیر حقوقی، باید مبنای حقوقی صهیونیست‌ها را مدنظر قرار داد تا زمینه برای اختلاف نظر فراهم نشود. قوانین اسرائیل نیز به پیروی از عرف حقوقی جهانی، پلیس را ملزم به برخورد متناسب با معترضان دانسته است و تأکید دارد که نباید در برخورد تبعیض وجود داشته باشد. بر این مبنای اقدامات مسلحانه پلیس اسرائیل در مقابل اعراب لود محکوم است و تبعیض در برخورد میان اعراب و یهودیان نیز نوع دیگری از بی‌عدالتی است که موجب محکومیت اسرائیل خواهد بود. در این باره منابع حقوق بین‌الملل همچون منشور سازمان ملل متحد، کارایی ندارد چراکه ناظر بر روابط میان کشورهاست و نه روابط شهروندان و دولت‌ها.

۳-۴. تفسیر براساس ضمانت‌های حقوقی

یکی از بحث‌های مهم در حقوق بین‌الملل، میزان مشروعیت حکومت در سطح جهانی است. معمولاً حکومت‌هایی که خود را از جهان بین‌الملل جدا کرده‌اند، قابلیت اعمال فشار سیاسی ندارند و حقوق بین‌الملل در رابطه با آن‌ها دارای ضمانت اجرا نیست. برای مثال حکومتی همچون طالبان از ابتدا خود را از جامعه بین‌الملل جدا دانسته است و به همین جهت، قابلیت اعمال فشار سیاسی به آن‌ها وجود ندارد. رژیم اسرائیل از ابتدای تأسیس، توسط جهان اسلام طرد شد اما با حمایت‌های بی‌دریغ امریکا حضور پُرننگی در مجامع بین‌المللی داشت و با دیگر کشورهای غیراسلامی روابط نزدیکی برقرار کرد. پس از پیمان کمپ دیوید (۱۹۷۹) یخ

روابط اسرائیل و کشورهای عربی شکسته شد و در حال حاضر این رژیم در مجامع بین‌المللی حضور فعالی دارد. با توجه به این حضور فعال، امکان انتساب موارد نقض حقوق بین‌الملل به عملکرد این رژیم وجود دارد ولی در عمل ضمانت‌اجرائی برای آن نیست.

عرب ۴۸ که مقیم سرزمین‌های اشغالی هستند، دید مثبتی نسبت به این رژیم ندارند و همواره برنامه‌های ماهواره‌ای مهیج و ضداسرائیلی به زبان عربی را دنبال می‌کنند (Head, 2020: 80). اگر اسرائیل مانع مشاهده این برنامه‌ها شود، به نقض حقوق بشر متهم می‌شود و با توجه به حضور فعال در برخی مجامع، خواهان متهم‌شدن نیست. در واقع مسائل جزئی حقوقی از این دست می‌تواند برای اسرائیل آزردهنده باشد که بهتر است خود نسبت به رفع آن‌ها اقدام کند. این‌گونه حساسیت در مقطع زمانی کنونی که چند کشور عربی با اسرائیل معاهده صلح امضا کرده‌اند، بیشتر است؛ چراکه این کشورها می‌توانند در روابطشان با اسرائیل خواهان حفظ حقوق اعراب نیز باشند، اما در مواقع حساس که اعمال خلاف حقوق بشر توسط اسرائیل صدای جهانیان را بلند کرده و بحث به شورای امنیت سازمان ملل کشیده می‌شود، با حمایت امریکا قطعنامه‌های ضداسرائیلی وتو می‌شوند.

در حال اسرائیل کوشیده است تا در مواردی جزئی، به حقوق بین‌الملل پایبند باشد و تنها در موارد حساس گردنکشی کند؛ از این رو آزادی‌های نسبی اعراب ۴۸ نمودی از این سیاست اسرائیل است که براساس حقوق شهروندی و آزادی بیان، به صدای اعتراض همه اعراب علیه اسرائیل مبدل شده‌اند. انتساب عنوان خائن به اعراب ممکن نیست، چراکه براساس حق شهروندی، به عملکرد اسرائیل علیه فلسطینیان اعتراض دارند. از آنجا که بین ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت اسرائیل را اعراب ۴۸ تشکیل می‌دهند، دولت ملزم به استماع صدای اعتراض آنان است. نکته قابل ذکر اینکه آغاز دور جدید صلح کشورهای عربی با اسرائیل و گسترش روابط اعراب با اسرائیل می‌تواند ضمانت دیگری بر حمایت از حقوق اعراب ۴۸ باشد؛ چراکه در روابط دوجانبه کشورهای عربی و اسرائیل، ممکن است خواسته کشورهای عربی رعایت حقوق اعراب باشد.

نتیجه‌گیری

وقایع شهر لود در سال ۲۰۲۱ میلادی را نمی‌توان براساس دفاع مشروع و اصول حقوقی مندرج در منشور ملل متحد توجیه کرد؛ چراکه این منابع مختص روابط میان کشورهای است و نه در

رابطه با مشکلات دولت با شهروندان. انتساب اتهام‌هایی همچون خرابکاری و اخلال در نظم عمومی کشور به اعراب شهر لود، این مسئولیت را برای پلیس اسرائیل به وجود آورده است که باید متناسب با این ناآرامی‌ها به اقدام متقابل دست بزنند. نمی‌توان عنوان جنگ داخلی را به وقایع شهر لود منتسب کرد، ولی اعتراض‌های غیرمسلحانه اعراب، زمینه‌مقابله متناسب پلیس اسرائیل با آنان است. سالیان دراز صهیونیست‌ها با اخراج اعراب از سرزمین مادری‌شان در حق آن‌ها ظلم و جفا کرده‌اند ولی با اعمال نفوذ ابرقدرت‌ها هیچ‌گاه مسئولیتی متوجه آنان نشده است. در غیاب حمایت عملی جهانیان از حقوق اعراب و در شرایطی که حتی شاهد مصالحه کشورهای عرب با اسرائیل نیز بوده‌ایم، فلسطینیان حق دفاع از ملت خود را دارند و اصل دفاع مشروع نیز در این حالت دارای توجیه است.

حضور بیش از ده نماینده عرب در پارلمان اسرائیل نشان از حق آن‌ها در رسانیدن صدای اعتراض‌شان بوده است. در غیاب مرجع رسیدگی‌کننده، اعراب ساکن در شهر لود در مناطق مرکزی فلسطین که نزدیک‌ترین مرکزیت عربی به قدس محسوب می‌شود، با قیامی متناسب با امکانات‌شان و رعایت حقوق انسانی شامل درگیری با پلیس اسرائیل و یهودیان افراطی، حق قانونی خود را به گوش جهانیان رساندند. برخورد تبعیض‌آمیز پلیس اسرائیل میان اعراب ۴۸ و یهودیان افراطی نیز قابل نکوهش بوده و امکان محکومیت را برای این رژیم باز گذاشته است.

منابع

۱. آل حبیب، اسحاق (۱۳۷۹). ضرورت‌ها و نگرانی‌های دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات وزارت خارجه، ج ۱، چ ۱.
۲. خالقی، علی (۱۳۹۲). جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل، تهران: انتشارات شهر دانش، ج ۱، چ ۱.
۳. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰). مقابله با جرائم بین‌المللی تعهد دولت‌ها به همکاری، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ج ۱، چ ۱.
۴. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰). حقوق جنگ، بی‌چا، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ج ۱، چ ۱.
۵. محمدرضائی، حسن؛ میرعباسی، سید باقر؛ کمالی، علی (۱۳۹۸). «مبانی توسل به زور و ممنوعیت آن در حقوق بین‌المللی با تاکید بر منشور سازمان ملل متحد»، تحقیقات حقوقی تطبیقی آزاد ۱۲ (۴۵)، صص ۱۱۹-۱۴۱.
۶. میریان، ایمان و اصغری، زینب (۱۳۹۱). «تبلیغات خصمانه از منظر حقوق بین‌الملل»، مطالعات قدرت نرم ۵ (۲)، صص ۱-۵۲.
۷. نوروزی، محمدجواد (۱۳۷۲). «پژوهشی درخصوص جایگاه جنگ روانی در اسلام»، معرفت، ۶ (۱)، صص ۵۵-۶۰.
۸. یاقوتی، محمد مهدی (۱۳۹۱). «استثنائات حقوقی ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵ (۴)، صص ۱۱۳-۱۳۲.
9. Babis, D. (2021), "Digital mourning on Facebook: the case of Filipino migrant worker live-in caregivers in Israel", *Media, Culture & Society*, 43 (3).
10. Ben-Natan, S. (2021), "The dual penal empire: Emergency powers and military courts in Palestine", *Israel and beyond, Punishment & Society*.
11. Bitan, D. T., Kridin, K., Cohen, A. D., & Weinstein, O. (2021), "COVID-19 hospitalisation, mortality, vaccination, and postvaccination trends among people with schizophrenia in Israel: a longitudinal cohort study", *The Lancet Psychiatry*.

12. Diab, A. B., Shdema, I., & Schnell, I. (2021), "Arab integration in new and established mixed cities in Israel", *Urban Studies*, 00420980211021346.
13. Finkelstein, N. G. (2003), *Image and reality of the Israel-Palestine conflict*, Verso.
14. Gelvin, J. L. (2014), *The Israel-Palestine conflict: One hundred years of war*, Cambridge University Press.
15. Head, N. (2020), A "pedagogy of discomfort"? Experiential learning and conflict analysis in Israel-Palestine, *International Studies Perspectives*, 21 (1).
16. Kaddar, M., & Monterescu, D. (2021), "Dancing with tears in our eyes: political hipsters, alternative culture and binational urbanism in Israel", *Palestine, Ethnic and Racial Studies*, 1-21.
17. Kreitem, H. M. (2020), *Weaponization of Access, Communication Inequalities as a Form of Control: Case of Israel/ Palestine*, In *Digital Inequalities in the Global South*, Palgrave Macmillan, Cham.
18. Levy, L. (2021), "Temporalities of Israel", *Palestine: Culture and Politics, Critical Inquiry*, 47 (4).
19. Ludwig, K. U., Schmithausen, R. M., and Others (2021), "LAMP-Seq enables sensitive, multiplexed COVID-19 diagnostics using molecular barcoding", *Nature Biotechnology*, 1-7.
20. Mordechay, E. B., Mordehay, V., Tarchitzky, J., & Chefetz, B. (2021), "Pharmaceuticals in edible crops irrigated with reclaimed wastewater: Evidence from a large survey in Israel", *Journal of Hazardous Materials*.
21. Orbach-Yozgof, N. (2021), "Blended cities in Israel", *Israel Affairs*.
22. Rexer, G. (2021), "Borderlands of reproduction: bodies, borders, and assisted reproductive technologies in Israel", *Palestine, Ethnic and Racial Studies*, 44 (9).
23. Schor, S. (2020), "Greetings from the [un] Holy Land: A Postcard

Project from Israel”, Palestine, American Anthropologist.

24. Yaniv, K., Ozer, E., Shagan, M., Lakkakula, S., Plotkin, N., Bhandarkar, N. S., & Kushmaro, A. (2021), “Direct RT-qPCR assay for SARS-CoV-2 variants of concern (Alpha, B.1.1.7 and Beta, B.1.351), detection and quantification in wastewater”, Environmental Research, 201, 111653.

۲۲۴

فہرست

مطالعات

تحقیق برسر اسلا

سال دہم،

شماره دوم (پہلی)،

۱۴۰۰، تابستان